



قرآن کریم کلام الهی است نه قانون اساسی

در مباحث روی ضرورت قانون اساسی تحلیلگران امارت اسلامی میگویند قرآن کریم قانون اساسی ماست. در برخورد اول با این گفته چنین بر می آید که آنها یا قانون اساسی و پروسیجر تدوین، تصویب، توشیح و تنفیذ آنرا نمیدانند یا اینکه دانسته آنرا برای پوشش بحث پیرامون ضرورت قانون اساسی طور گریز بیان میدارند.

اصطلاح قانون اساسی نه در قرآن ذکر شده، نه در صدر اسلام کار برد داشته و نه در امپراطوری های بزرگ اسلامی جا داشته است. این اصطلاح در تحولات پسا قرون وسطایی معمول شده و برخاسته از اروپا میباشد.

لذا قرآنکریم را قانون اساسی گفتن مورد ندارد. قرآنکریم کلام الهی است که نه کسی آنرا تدوین کرده، نه مرجعی آنرا تصویب نموده و نه به توشیح مقامی رسیده و نه توسط بشر تنفیذ گریده است. در قدم دوم این سوال مطرح میگردد که مردم حتی عده زیاد دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی همه از احکام قرآنی آگهی دارند؟

قانون اساسی فشرده ای از حقوق و وجایب دولتمردان و حکومت شوندهگان میباشد که کار هر دو جانب قدرت را در فهم و حل و فصل امور ساده و اسان میسازد.

پس بهتر آنست تا کشور دارای قانون اساسی باشد و قانون اساسی متکی به احکام و نصوص قرآنی چنانکه از اول تا اکنون قوانین اساسی افغانستان به همین معیار ساخته شده است.

اخیراً گفته شد که قوانین ساخت بشر در افغانستان تطبیق نگردد، درین مورد ابهامات به میان می آید زیرا از زمان تدوین شریعت که ۱۲۰۰ سال میگردد در جهان تغییرات

بزرگ علمی، سیاسی، تخنیکی و تکنالوژیک رخ داده است که در آن زمان وجود نداشت:

-- قانون ترافیک جاده چگونه بر معیارهای شریعت تنظیم گردد، قانون هوا نوردی را چگونه میتوان شرعی ساخت؟ درین موارد از قیاس هم کار گرفته شده نمیتواند زیرا ابزار امروز دران زمان نبود وسایل ترانسپورت عمدتاً حیوانات بود نه ضرورت به اشارات ترافیک بود نه به لایسنس و جواز سیر و نه طیارات و نه هوانوردی.

-- اگر قوانین ساخت بشر در امارت اسلامی تطبیق نشود جمیع قوانین بین المللی و میثاقهای و منشور های جهانی برای امارت اسلامی باید غیر قابل پذیرش باشد و ارزش انطباقی نداشته باشد. درین حالت سوال عضویت کشور در سازمان های جهانی و منطقوی مطرح میگردد وقتی منشور سازمان ملل متحد که ساخت بشر است از جانب امارت قابل قبول و تحقیق نباشد عضویت دران موسسه جهانی چگونه میشود ویا سازمانهای دیگر بین المللی مثل سازمان بین المللی کار، سازمان صبحی جهان، یونسکو، یونیسف، سازمان جهانی تجارت و سازمان بین المللی پُست و دههای دیگر که دارای موازین، میثاقها، اساسنامه ها اند و آنها برای شان حیثیت قانون را دارد، در صورت عدم قبولی ان اسناد بخاطر ساخت دست بشر افغانستان از آنها اخراج میگردد و کشور عملاً در یک انزوای خطر ناک جهانی قرار میگردد.

جهان امروز را نمیشود تابع موازین یکطرفه ساخت برای تعامل با آن باید قبول نمود که روی منافع کشوری آن هم کشور جنگ زده و نا توان از لحاظ اقتصادی ، روابط بین المللی و دهها مصیبت دیگر با جهان هم اهنگ شد . نمیشود که گفته شود ماهیچ چیز جهان را نمی پذیریم اما جهان در خدمت ما قرار داشته باشد .

ختم